

# آیا چین بر قرن ۲۱م سیطره خواهد یافت؟

جانا تان فنبی

ترجمه شهریار خواجهیان



## فهرست

۱. رؤیای چین ..... ۷
۲. بهای سیاست ..... ۳۳
۳. دام توسعه متوسط ..... ۵۷
۴. چرایی‌ها ..... ۸۳
۵. چین بر قرن ۲۱ام سیطره نخواهد یافت ..... ۱۰۳
- برای مطالعه بیشتر ..... ۱۱۶
- نمایه ..... ۱۱۸

## روئای چین

چین، با اقتصادی که دارد به بزرگ‌ترین اقتصاد روی زمین تبدیل می‌شود، با بیشترین شمار جمعیت در جهان، حضور رو به گسترش جهانی، ارتش در حال نوسازی و رژیم ملی‌گرای تک‌حزبی و متکی به نفس، آشکارا نشان می‌دهد که چه بسا عزم سلطه بر قرن کنونی را دارد. این کشور، با مساحتی معادل ۱۹/۹۶ میلیون کیلومتر مربع از دریای شرقی چین تا آسیای مرکزی، از مرز سیبری تا صفحات نیمه‌حاره‌ای جنوب غربی، با حضور سیاسی بین‌المللی فزاینده خود، به مثابه ذی‌نفع عمده جهانی شدن، موتور اصلی رشد تولید و تجارت بین‌المللی شده است.

چین از لحاظ جمعیت غنی اما از نظر منابع فقیر، با سطح بالای تقاضا، نیروی عمده تجارت بین‌المللی کالا، از سنگ آهن گرفته تا آجیل، و تعیین‌کننده موفقیت و کامیابی کشورهای در آفریقا، استرالیا، برزیل و دیگر مناطق آسیایی است. سرعت و دامنه رنسانس مادی آن بی‌همتاست. رشد سالانه واقعی آن در ۳۵ سال گذشته، بجز ۸ سال، بالای ۸ درصد بوده است؛ و زمانی که در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ به پایین‌تر از این سطح افت کرد، نرخ رشدش هنوز به مراتب بیش از دیگر کشورهای بزرگ بود.

۱. در کتاب به اشتباه مساحت چین ۹۹/۶ میلیون کیلومتر مربع نوشته شده است. -م.

چهار دهه پیش، جمهوری خلق چین در پایان عصر مائو به سوی ورشکستگی مالی می‌رفت؛ اما اکنون در بهترین شرایط به سر می‌برد و رهبران جهان مشتاق به دست آوردن دل [رهبران] آن هستند. همه چیز در این کشور میانه‌حالِ پیشین بزرگ‌تر از هر جای دیگر است - از شهرهای غول‌آسا و ابرکامپیوترها گرفته تا برنامه‌های فضایی و حتی صنعت بزرگ کالاهای تقلبی و طعمه‌های آنلاین آن که سالانه نیم میلیارد رسانه اجتماعی جعلی را به ثبت می‌رسانند. اگرچه ۱۵۰ میلیون تن در این کشور با روزی کمتر از ۲ دلار در روز - بنا به محاسبات بانک جهانی در سال ۲۰۱۰ - سر می‌کنند، ۶۰۰ میلیون نفرِ دیگر از مردم خود را در نخستین سه دهه رشد از شرایط فقر بیرون کشیده‌اند. گسترده‌ترین رشد زیربنایی تاکنون دیده شده، که با برنامه‌های عظیم انگیزشی کلیدخورده در پایان سال ۲۰۰۸ به تدریج افزایش یافت، شامل احداث طولانی‌ترین شبکه راه‌آهن در سریع‌ترین زمان، ساختن سد سه‌دره روی رودخانه یانگ‌تسه و وصل کردن نقاط مختلف کشور به فرودگاه‌ها، بزرگراه‌های چندخطه و پل‌های سربه‌فلک کشیده بوده است.<sup>(۱)</sup>

پس از قرن‌ها گوشه‌نشینی نسبی و انزوا از جریان‌های جهانی در دوران مائو، چین اکنون صحنه جهان را درمی‌نوردد؛ رهبر آن، شی جین‌پینگ، در سال ۲۰۱۵ از ۱۴ کشور دیدار کرد. جمهوری خلق چین صدها میلیارد دلار به [کشورهای مختلف] کمک و در اکناف جهان سرمایه‌گذاری کرده و، با پیگیری آنچه رئیس‌جمهور آن «رؤیای چین» جهت تجدید حیات ملی و احترام جهانی نامیده، به ابتکاراتی برای رقابت با نظم جهانی دلار (آمریکایی) محور پس از سال ۱۹۴۵ دست زده است.

در حالی که ایالات متحده نگران حفظ نقش جهانی خود است، چین چنین تردیدی نشان نمی‌دهد و خود را در حرکت به سوی این فضای

سوی اقیانوس آرام اشاره داشته‌اند. غیبت بحث و گفتگو و تقویت حاکمیت دگماتیسم تحت حکومت شی جین‌پینگ دستورالعملی برای ایستایی است؛ تحول تایوان به یک دموکراسی در این قرن در تباین آشکار با نظام اقتدارگرایی تحمیل شده بر سرزمین اصلی است. اگرچه آن‌ها از مزایای رشد اقتصادی به دست آمده در چین استقبال می‌کنند، بیشتر کشورهای آسیایی نگران قدرت‌نمایی آن‌اند و می‌خواهند به زیر چتر استراتژیکی پناه برند که واشینگتن از سال ۱۹۴۵ بر سر شرق آسیا گشوده است. اشغال نظامی تبت و سرزمین گسترده و غربی سین‌کیانگ به نظر می‌رسد تمرین عمده‌ای برای اعمال حاکمیت استعماری باشد. کسب و کار چینی‌ها ممکن است از رفتار سراسر در چارچوب بازار به دور باشد و سطح میدان بازی را به تماس‌های شخصی، مداخله سیاسی و سَمبل‌کاری<sup>۱</sup> در غیاب یک نظام قانونی قابل اتکا و مستقل فروکاهد. پیمایش‌های اتاق‌های تجارت غربی در چین در سال ۲۰۱۶ خبر از بدبینی روبه رشد اعضای آن‌ها نسبت به تجارت در سرزمین اصلی چین در محیط «دشمنی فزاینده» می‌دهد که بازدارنده افزایش سرمایه‌گذاری است.<sup>(۳)</sup>

این تمدن کنفوسیوسی باستانی، که نویسندگانی همچون مارتین ژاک آن را موضوع محوری بحث در باب سلطه چین بر جهان آینده می‌بینند، به یقین میراث قدرتمندی به جا گذاشته است، اما می‌توان پرسید که این در مورد سؤال در دست چقدر موضوعیت دارد، زیرا کمتر کمکی یا هیچ کمکی به پاسخ به چالش‌های کنونی رودرروی جمهوری خلق چین نمی‌کند. به هر حال، آن فرزانه اهل شان‌دونگ بازرگانان را در قعر سلسله‌مراتب اجتماعی خود قرار می‌داد. مائو جنگ بی‌وقفه‌ای علیه آموزه‌های وی به راه انداخت و، در چین امروزی، «ایسم»ی که حکم